

کورش آسوده بخواب که ما بیداریم

هر کسی به اصل خویش گردد باز همه باهم شویم انسان آزاد

امیرفیض- حقوقدان

به همه کسانی که روز هفتم آبان ماه را زادروز تاریخی کورش برگزیده و بیداری و هوشیاری و تعصب به ایرانی بودن خودشان را نشان دادند درکمال احترام توام با تواضع سرافرازی و شادزی میگوئیم.

جنبش کورشی ایرانیان نشان داد که جمله شاهنشاه ایران مبنی «براینکه کورش آسوده بخواب ما بیداریم» واقعیت و حقیقت خود را نشان داده است. نشان داد که ایرانیان بیدار شده اند و همانطور که انسان اول از خواب بیدار میشود و بعد آماده عمل میگردد این بیداری ایرانیان مقدمه اعمالی است که نشان خواهد داد معنا و مفهوم بیان تاریخی شاهنشاه ایران چیست.

یکی از روحانیون وابسته به حکومت جمهوری اسلامی بنام نوری همدانی درباره جنبش کورشی ایرانیان عبارتی را بکار برده که نمیتوان از توجه به آن غافل ماند او گفته است:

کدام قدرت در این بخش کوتاهی کرده است * - تعجب میکنم چطور میتوانند در مزار کورش جمع شوند * -
 عده ای در مزار کورش جمع شده طواف کرده اند دستمال درآورده گریه کردند *

هر کسی کودورماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش

بشراینجوری است که وقتی به زور و یا حيله از اصل و زندگی و عادات معهود خود باز داشته شد مدام در فکر بازگشت به اصل خود است اصلی که طبیعت او، بنای فکری، احساسات ملی آنرا تنیده و شالوده شده است.

ایرانیان بعلت تهاجم اعراب همه چیز خود را با آنکه ۲۰۰ سال مقاومت کردند بظواهر از دست دادند و فریب جمله ها و حیل اسلامی قرار گرفتند و کشتارهای بی حساب و جنایات اعراب کم، کم فرصت مقاومت را از مردم گرفت و ایران بواسطه استیلای اسلام به یک ویرانه و تاراج خانه اسلامی مبدل شد، و کم، کم حالتی برای مردم ایران بوجود آمد که نمیتوانستند فکر کنند بغير از آنچه که حکومت های اسلامی برای آنان آورده است بهتری هم هست.

متأسفانه دستاوردهای روزهای خوش سلطنت شاهان پهلوی که میتوان گفت از مبانی حقوق اسلام بهره ای نداشت؛ بمناسبت اینکه دین رسمی کشور اسلام بود و پادشاهان پهلوی هم مسلمان و به حفظ شعائر اسلامی متعهد نمیتوانستند و یا نخواستند که از عدم انتساب ان پیشرفتها و دستاورد های اقتصادی

و اجتماعی به اسلام سخنی به میان آوردند و در نتیجه مردم تصور کردند که آن پیشرفت‌ها و سربلندی‌های بین‌المللی و رفاه و کار، ناشی از اسلام است.

چنین باور کاذب‌ه ای سبب گردید که مردم در شورش ۵۷ با این تصور واهی همفکر شوند که وقتی شاه مسلمان در کشور اسلامی توانست آنهمه دست‌آورد های خوب و پرازنده برای ما فراهم کند حتما روح الله خمینی که علامت^۱ خدا هم هست و تصویرش هم در ماه آمده است خیلی بهتر و وسیع تر از زمان شاه برای ما رفاه و آسایش و سربلندی خواهد آورد.^۲

مردم در حکومت اسلامی تحمیلی دیدند که تصوراتش واهی و ایجاد ارتباط و تداوم دوران سلطنت شاهان پهلوی با ایام ذلت بار حکومت اسلامی اشتباه فاحشی بوده که بهای آنرا در همه ابعاد غیر قابل احصاء پرداخته و باید هم بپردازند.

◀ اینکه آخوند همدانی گفته است <کدام قدرت در این بخش کوتاهی کرده است> قدرت بیداری و هشیاری ملت است که همه قدرت های حکومت را متوقف میسازد. هوشیاری در مقابل بی هوشی است با مردم بی هوش هرکاری میتوان کرد ولی وقتی مردم به هوش آیند آنوقت آن مردم هستند که هرکاری که بخواهند با حکومت خواهند کرد <ای کیوتر نگران باش که شاهین آمد>.^۳

آخوند همدانی و امثال او خیال میکنند که مردم نسبت به آنچه بر کشور و زندگی آنها میگذرد در بیهوشی کامل هستند؟ از غارت کشور آگاه نیستند؟ از بیکاری و اعتیاد و فحشاء و فقر خبر ندارند از جنایات عمال حکومت اسلامی واقف نیستند، از تهدیدات بی آبی کشور و ابتلاء به امراض و آگیر نگرانی ندارند- از تضییقات تحصیلی و خفقان عمومی و زندان های پر که وزیر کشور جمهوری اسلامی هم فریادش از کمی جا برای زندانیان در آمده خبر ندارند.

این بیداری ها و مقایسه این وضع با حکومت زمان شاه یک حس بیداری و هشیاری در مردم بوجود

میآورد که اثرش همین تجمع و زیارت مزار کورش است. این علامت بیداری و هشیاری ملی است که

سی و چند سال است زیر تازیانه اسلامی حکومتی زیسته است این تجمع خیلی معنا دارد که یکی از

آنها یعنی؛ ای وارث کورش که اعلیحضرت رضاشاه دوم است بدان که ما بیدار هستیم و منتظریم.

ایجاد تکلیف برای اعلیحضرت

این تجمع برای اعلیحضرت هم ایجاد تکلیفی میکند که اکنون از آن تکالیف غافلند. یادم هست روزی اعلیحضرت فرمودند «روزی که مردم بگویند قانون اساسی، من در کنار مردم هستم» یکی از مفاهیم تظاهرات خودجوش مردم در مزار کورش بزرگ همین احترام و تاکید بر مشروعیت قانون اساسی است حرف

^۱ - «آفت» الله (خدا) بود.. ح-ک

^۲ - برخی کسانی که در اداره ها و سازمان های دولتی مشغول کار بودند و امر به آنان مشتبه شده بود هم گمان میکردند: «چه کاری هست که شاه و ارتشی ها میکنند مالا نمی توانند بکنند» اینرا اعتقاد داشتند و رای به جمهوری اسلامی دادند ولی همانان جلوتر از دیگران که رای منفی داده بودند از کار برکنار شدند. تا مزه ناخلفی و نمک نشناسی برایشان چشیده باشد. ح-ک

^۳ - دریغا روز بیداری، دریغا صبح هوشیاری - ح-ک

سیاسی از مفاهیم شعارها گرفته میشود؛ اعلیحضرت تصورنمیفرمائید انتخاب روز هفتم آبان که مصادف با زاد روز اعلیحضرت است یکی از دلایلی است که باید از مفاهیم و اسطوره‌های این تجمع بدست آورد.

حیرت از تجمع

آخوند همدانی اظهار تعجب کرده که چطور مردم توانسته اند در مزار کورش جمع شوند؟

هرکس معشوق و یا عزیزش در آتش افتاده باشد برای نجات او خود رابه آب و آتش میاندازد بدون توجه به عاقبت آن ایرانیان به اصل خود کم، کم باز میگردند. **اصل ایرانیان شاه دوستی است شاه در فرهنگ ایرانی پدر و سایه خداست**، ایرانیان میدانستند که جمع شدن در مزار کورش با مجازات و خشونت و عواقب وخیمی روبروست ولی معهذرا یاد و بزرگداشت از پدرتاریخی، احترام به پدرویتی آنها عرق وانگیزه ای بود که وحشت از مجازات را تحت الشعاع قرار میداد که داد، اگر شرائط عادی بود و اگر حکومت غاصب مانع برگزاری مراسم در مزار کورش نمیشد آنوقت معلوم میشد که تجمع در مزار کورش تجمعی بی سابقه و سیلی خروشان برای برپادادن حکومت اسلامی غاصب ایران میگردید.

مردم از این حکومت اسلامی جبار، غارتگر، صحنه ساز و فریبکار ذله شده اند؛ خیلی اهمیت دارد که مردم بدانند که گرفتار خشونت حکومت میشوند و باز هم در مزار کورش تجمع کنند باید به این اقدام ایرانیان بها داد عزت و احترام تقدیم کرد آرزوی موفقیت و سرافرازی آنها را کرد.

مردم گریه کرده اند

آخوند همدانی تعجب و حیرت کرده که مردم دستمال دست گرفته و گریه کرده اند و مزار کورش را طواف کرده اند.

حاشیه – طواف در لغت به معنای دورگردیدن و جمع شدن است ولی نزد فقهای شیعه مانند همین آخوند همدانی در معنای زیارت خانه خدا گفته میشود، و استفاده از واژه مزبور از سوی آخوند همدانی به معنای آن است که ایرانیان مزار کورش را مانند خانه خدا محترم دانسته و طواف میکرده اند. (پایان حاشیه)

وقتی انسانهای خواب و مسحور، سنگ و مسخ شده از مذهب و دروغهای متولیان حکومت بیدار میشوند و وضع کنونی خودشان را با ایام سلطنت شاه مقایسه میکنند و دلار ۷ تومان را با ۳۵۰۰ تومان میسجند میباید هم گریه کنند. سنگ هم باشد میترکد تاچه رسدربه انسانی که از خجالت زن و فرزندانش سالهاست در دلش اشک میریزد.

ابوسعید ابوالخیر بیتی دارد که وصف الحال مردم کشور ماست:

| | |
|---------------------------------|----------------------------------|
| سرتاسر همه دشت خاوران سنگی نیست | کز خون دل و دیده بر آن رنگی نیست |
| در هیچ مقام و هیچ فرسنگی نیست | کز دست غمت نشسته دلتنگی نیست |